

اصول، مفقود، ادعای موجود

هشدار به آخرین ولیعهد

>مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند
یکسره بی اساس باشد ولی میتواند
کاملاً غیراصولی باشد<

امیرفیض- حقوقدان

این تحریر بطرفیت دفاعی آقای امید دانا تنظیم میشود؛ و علت طرفیت، نوشته ایشان است که اعلام شده در تنظیم بیانیه «آخرین هشدار به آخرین ولیعهد»، هیچ نقشی نداشته و بیانیه ربطی به ایشان و برنامه رودست ندارد و اینجانب (امید دانا) با آگاهی کامل با آن موافقت کرده ام و تا آخرین قطره خونم از این بیانیه تاریخی دفاع میکنم.

ادعا نامه

این ادعا نامه از طریق تبدیل لوایح انجام و قضاوت آن با خوانندگان محترم خواهد بود.



مقدمه نامه «آخرین هشدار به آخرین ولیعهد»، متمسک^۱ و متوسل به اصول شده است و این بدان معناست که مندرجات نامه مزبور متکی به اصول است و امری نظری نمیشود. شاید بتوان گفت که کمتر مقاله ای مرسوم ایرانیان خارج از کشور است که حرکت خود را در چارچوب اصول معین کرده و از اینجهت خواسته که اعتباری محکم و استثنائی به مطالب آن بدهد.

اصول، یعنی مطالب مورد بحث دارای ریشه ای است که از نص قانونی و یا قوانین طبیعی معمول و شناخته شده بین انسانها حجت دارد. اهمیت اصول و اصولی بودن گفتار و کردار در حدی است که گفته شده <سخنی که بر پایه اصول نباشد سخن بیهوده و یاهه است>.

در مقدمه نامه «هشدار به آخرین ولیعهد» آمده است: <در هر ساختاری اولویتی وجود دارد که اصول است و بدون آن اصول، موجودیت ندارد> میخواد گفته باشد که در هر سخن و کلامی باید اصولی رعایت شده باشد و اگر نشده باشد آن سخن یاهه است و نمیتواند قائم به معنای درست و جامع باشد.

و اما بعد

نامه هشدار به ولیعهد با همه اعتباری که برای اصول و رعایت آن قائل شده متاسفانه از مسیر اصول بی بهره و منحرف است و اگر گفته شود <بیهوده سخن به این درازی نبود> گفتار ناموازی نیست.

۱ - چند در زننده، بازدارند- لغت نامه دهخدا- ح-ک

بیانیه تاریخی!!

آقای امید دانا از نامه هشدار، بعنوان بیانیه تاریخی یاد کرده و به اصطلاح از روش میان دعوا نرخ تعیین کردن استفاده کرده است. نامه ای که نه نویسندگان آن معلوم است و نه انتساب و مسئولیت آن به کسی و بعد هم کسانی از آن برائت جسته اند و نا پاکی برخی محتویات آنهم در حدی کریه است که کسی تحمل انتساب نامه مزبور را بخود ندارد و نمیخواهد حتی مشار و مشیر آن نامه معرفی شود (آقای بهمن زاهدی که در برخی فیس بوک ها نویسنده نامه مزبور معرفی شده بود اعلان کرده است که در نوشتن نامه مزبور دخالتی نداشته است).

نه بیانیه شناخته میشود، نه تاریخی

بیانیه، نوشته ای است که از سوی یک شخصیت حقوقی و یا شخص مسئولی منتشر میشود. که این ارکان در نامه مزبور نیست.

تاریخی نیست، زیرا اول آنکه چیزی که بیانیه شناخته نشود نمیتواند تاریخی شناخته شود و در کلامی دیگر تاریخی اسم مصدر است و بتنهائی قابل استفاده نیست.

دیگر اینکه سند و بیانیه تاریخی مستند به اصول و وقایع حتمیه است، ولی «هشدار» از وقایع حتمیه نیست.

انتخاب عنوان بیانیه تاریخی برای نامه مزبور مصداق «برعکس نهند نام زنگی کافور» است.

آقای امید دانا گفته است؛

<بابت امضای بیانیه «آخرین هشدار به آخرین ولیعهد» تعدادی از دوستان قدیمی خود را برای همیشه از دست دادم و روابطم با بخش دیگری از دوستان نزدیکم تیره و تار شد ولی اصول ملی برایم از هر چیزی مهم تر است.>

این رفتار و کردار آقای امید دانا که به بیان خودشان سبب آزردگی دوستان و قدیم و جدید ایشان و نگرانی سلطنت طلبان که برخی راست منقلب ساخته کدام هستند؟ در حالیکه شعار روشنگری ایرانیان خدا- شاه - میهن است یعنی ایران و شاه در کنار هم و بیک مفهوم قرار گرفته است، داستان اصول ملی تخیلی آقای امید دانا کجاست و در کدام نص باید آنرجستجو کرد؟

همه انسان ها اشتباه میکنند مهم در پافشاری نکردن در خلاف کاری و سعی در اصولی نشان ندادن یک کار غیر اصولی است.

یکی از فلاسفه میگوید: <درد انسان ها خرابی هائی بوجود میآید ولی مهم در پاکسازی فوری آن است.>

براستی که نمیخواستم و نمیخواهم که پافشاری ایشان را در این راه باطل می دیدم؛ اما دیدم و منتظر بقیه آن هستم.

◀ انتخاب عنوان «آخرین ولیعهد» از چه باب و به اعتبار کدام نص است؟ که بتوان آنرا یکی از اصول و مبانی نامه هشدار دانست؟ این مهم بدان جهت مطرح شد که عنوان و سمت و هویت اشخاص از ارکان توجه موضوع بطور کلی است و نامعلوم بودن هر یک سبب قطع توجه مورد، اعم از اتهام و تجلیل و سود و زیان و امثالهم میشود.

◀ عنوان «آخرین ولیعهد» به این معناست که شاهزاده رضا پهلوی (بقول آخرین هشدار) هم اکنون ولیعهد هست ولی ولیعهد «آخری» است، مستند این برداشت و اعلام عام آن کدام نص است تا مسئله اصولی بودن آن نامه را بتوان تاحدوی جدی گرفت.

◀ تهیه کنندگان نامه بر کدام نص و اصولی حکم «آخرین ولیعهدی» را درباره رضا پهلوی صادر کرده اند؟ صلاحیت آنان در حالیکه کسی آنها را نمیشناسد و مقام و جایگاه قانونی و نصی و اصولی ندارند از کجاست و این تیراندازی در تاریکی با چه محملی است؟

آیا یک سلطنت طلب آگاه اجازه میدهد که کسانی حکم خاتمه و پایان ابدی سلطنت کهن و تاریخی ایران را صادر و بعد هم امثال آقای امید دانا حاضر شود تا آخرین قطره خونس از این بدعت کثیف و بی سابقه در تاریخ شاهنشاهی جهان تبعیت و حمایت و دفاع کند؟

این کارناماتوس با فرهنگ و سنت و دین ایرانی را خمینی شاید جلاد هم کرد؛ او هم به پادشاه ایران «آخرین اتمام حجت» را داد، چطور یک سلطنت طلب راستین میتواند با این بدعت گذاری ها و اهانت به تاریخ و سنت پادشاهی ایران موافقت و بدتر، از آن دفاع کند؟

◀ خطاب نامه هشدار <حضرت ولیعهد پهلوی سوم> است. این عنوان کاملاً بی سابقه از کجا و به اعتبار کدام نصی برای خطاب نامه انتخاب شده است؟ این یک امر نظری است و یا امر اصولی؟

عنوان ولیعهد، عنوانی قانونی و منبث از نص است که متمم قانون اساسی و سنت کهن پادشاهی ایران به فرزند شاه داده است و همان قانون اساسی و سنت پادشاهی میگوید بادر گذشت پادشاه ولیعهد در سن قانونی جایگزین پادشاه میگردد. بنا بر این به اعتبار نص و اصول، ولیعهد قانون اساسی اکنون پادشاه است نه ولیعهد! حکم مزبور متأثر از اصول قانون اساسی و تداوم مشروعیت آن و عدم مشروعیت جمهوری اسلامی است. و اگر تهیه کنندگان و تأیید کنندگان نامه هشدار اصول را در قانون اساسی جمهوری اسلامی میدانند که نمیتوانند برای ولیعهد قائل به موجودیت و مشروعیتی بشوند قاجار رسد که اول و آخر داشته باشد.

◀ عنوان پهلوی سوم اقتیاس از کدام اصول و نص است؟ آیا ایرانی ها نام خانوادگی خودشان را به اعتبار پدر و پدر بزرگ و تبارشان با اول و دوم و سوم و الی آخر نام میبرند؟ اگر نویسندگان و نامداران در آن نامه به خودشان اجازه بدهند که برخلاف نص و اصول هر نام خانوادگی و با هر درجه بندی برای اعلیحضرت قائل شوند چه ایرادی است به کیهان تهران که از اعلیحضرت بنام نیم پهلوی یاد میکند؟

احترام امامزاده با متولی است؛ آقای امید دانا که نامه را دیده و میدانسته که آن نامه از سوی چه کسانی تهیه شده (به شخصی گفته اند که آن نامه از سوی شخصیت های دوران شاه و وکلای آگاه نوشته شده و باید همینطور که هست باشد) چرا باید به موارد غیراصولی و نظری که نمیتواند پایگاهی جز بیهوده گویی در آن نامه داشته باشد موافقت کنند و به انتشار آن کمک کنند و به اشخاصی تلفن کنند و درنهایت تا آخرین قطره خون خود را مدافع آن بدانند؟

خطاب قرار دادن اعلیحضرت با عناوین «آخرین ولیعهد» و «پهلوی سوم» و «شاهزاده» و «رضا

پهلوی» یک باوه گوئی و تحقیر مسلم است ز بر اهر چیزی که منطبق با اصول نباشد باوه است.

◀ **نامه هشدار، خطاب به «آخرین ولیعهد» است؛ در حالیکه تمام کسانی که نامشان در نامه هشدار آمده اعلیحضرت را شاهزاده رضا پهلوی خطاب میکنند، کدام یک اصولی است؟ در حالیکه برهرنامی آثاری و حقوقی مترتب است کدام یک از آن عناوین محتوای نامه را متوجه است؟^۲

عنوان در رابطه با فعل و تعهد

◀ عناوین ولیعهد چه سابق و چه اول و دوم که خطاب نامه هشدار است هیچ مقام قانونی و سنتی

شناخته نمیشود که تعهد به انجام کاری و یا خودداری از فعل و گفتاری را متضمن باشد. عنوان

شاهزاده رضایپهلوی هم در عرض ولیعهد است، هیچ تکلیف سیاسی محول آن نیست حتی

ولیعهد با همه موقعیت قانونی تکلیف سیاسی مشخصی بر طبق اصول و نصوص متوجه او نیست

و بر عکس، عنوان شاهزاده نه تنها تکلیف سیاسی و محدودیتی را مکلف نیست بلکه در فرهنگ

عوام، بیکاری و تفریح و عدم مسئولیت از خلیات و عادات شاهزادگان شناخته میشود در

اینصورت چرا و طبق کدام اصول و قاعده سیاسی و سنتی ولیعهد آخر!، طرف مطالبات و انجام

کارها و مسئولیت هائی شناخته شده که هیچیک بار حقوقی ناشی از اصول و صراحت قانون

ندارد؟

◀ در نامه هشدار، اعلیحضرت با سه یا چهار نام مختلف ساختگی مورد خطاب قرار گرفته که هر یک

واجد آثار خاص حقوقی است، آیا این هم از آثار همان اصولی بودن نامه هشدار است؟^۲

دخالت در امر تجزیه کشور

^۲ - گذشته از این آقای امید دانا مدعی است «وکلائی خبره» آن نامه را تهیه کرده اند. چه وکلایی بوده اند که به «اصول» و «حقوق» و «مبانی اخلاق» و نگرارش آشنا نبوده اند. ح-ک

^۳ - همین نکته بر این مبنا استوار است که خواسته اند اعلیحضرت را بی ارزش کرده و توهین روا دارند و ایشان را کوچک کنند. ح-ک

◀ **** بسیاری ایرانیان و حتی همه نامداران درنامه «هشدار به آخرین ولیعهد»، کم و بیش در-خواست تجزیه کشور مشارکت دارند، همه افراد شورای تجزیه طلبان پایه گذار فکر تجزیه طلبی بوده وهستند؛ همین آقایان شرفشاهی و قاضی سعید صریحا خواستار حمله نظامی آمریکا به ایران بوده و هستند تاحدی که به آمریکائی ها اعلان کردند که اگر آمریکائی ها به ایران بیایند ۹۹ درصد جوانان ایرانی از آنها استقبال میکنند (به عین اظهارات احمد چلپی قبل از حمله آمریکا به عراق) وخانه وخوراک وبقیه چیزها (!) را برای آنها مهیا میسازند که این اعمال پدر جد زمینه سازی برای تجزیه کشور است. برخی در همکاری با کشورهای همسایه ایران از جمله آذربایجان شوروی هستند که در پی تجزیه ایران است. چطور و چرا نامه هشدار خطاب به این حضرات نیست و فقط خطاب به کسی است که او را یک شهروند عادی با عنوان شاهزادگی میدانید که میتواند به مراتب از قاضی سعید و شرفشاهی و دیگران کمتر فعال سیاسی شناخته شود!؟**

آیا این مسخره نیست کسانی که متهم به دعوت بیگانه برای حمله به ایران هستند مشترک نامه هشدار شوند که یکی از اهداف آن نامه یکپارچگی واستقلال کشور و وحدت ملت است؟ و عجیب تر، با آنکه موقعیت اتهامی آن افراد توجه داده شد، انگار نه انگار (لشگر هرچه بیشتر خوشتر هر چند سیاهی باشد).

◀ **آیا توجه دادن تبعیض و تحقیر آنها در لباس انتقاد به نماد و هویت تاریخی ایرانیان یک کار اصولی است؟ البته که خیر؛ زیرا خود آقای امید دانا گفته است در اثر امضای نامه مزبور دوستان قدیم و جدید خود را از دست داده ام، این یعنی آن افراد به معنای کار اصولی و کینه توزی آگاهند. در حالیکه آقای امید دانا در نامه علت کناره گیری خود از سازمان رستاخیز نوشته است <تحقیر و کینه توزی را کاری زنده و منفور میدانم> چرا اباید واعظ غیر متعظ باشند؟**

مهم این است

هیچکس منکر نحوست ماده ۱۱ شورای تجزیه طلبان و یا جانبدای از اسرائیل نیست ولی مطلب مهم حقوقی رابطه فعل و فاعل با مقام و موقعیت است. مشارکت در شورای تجزیه طلبان و فساد آن از سوی عده ای از ایرانیان از جمله «رضاپهلوی» صورت گرفته، نه اعلیحضرت رضاشاه دوم که متعهد به تکالیفی است که از جمله حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران است. تکلیف و تعهد و مسئولیت همواره از طریق مقام قانونی و به اعتبار نص بوجود میآید نه به اعتبار نسب؛ «رضاپهلوی» به اعتبار موقعیتی که ایرانیان خارج از کشور از جمله همین نویسندگان نامه و نام داران آن نامه برای ایشان قائلند و ایشان را یک شهروند عادی میدانند کارهائی انجام داده و اظهاراتی میکنند، ولی اینها در رابطه با مقامی که قانون اساسی و متمم آن و تکالیفی که برای ایشان مقرر کرده قائم به ایجاد اثر حقوقی نیست و فقط اتهام نادیده گرفتن قانون اساسی مشروطیت و سوگند سلطنت را بوجود میآورد آنها در صورتی که محظورات سیاسی یاسخگوی ان اتهام نباشد.

نام خلیج فارس

اتهام بی تفاوتی اعلیحضرت نسبت به نام تاریخی واصل خلیج فارس که در نامه هشدار به آن تمسک شده از آن اتهامات بسیار سبک و نشانه کینه توزی و یا نا آگاهی از جریان امورات که با موقعیتی که آقای امید دانا از خودشان در رودست نشان میدهند کاملا منافات دارد.

◀ در سال ۱۳۸۳ موسسه آمریکائی نشنال جغرافی در اطلس جهانی نام «خلیج فارس» را تغییر داد و نام خلیج عربی بر آن گذاشت، اعلیحضرت به همراه بسیاری از ایرانیان به اقدام موسسه آمریکائی مزبور معترض شدند و حتی با مدیرمجله مزبور ملاقات کردند، و ایرانیان نیز بتاسی ایشان وارد اعتراض شدند و مجله مزبور از تصمیم خود عدول کرد نشریه سنگردر شماره اول بهمن ماه سال ۸۳ نوشت:

اعتراض گسترده ایرانیان نسبت به تغییر نام خلیج فارس در اطلس جهان خاصه ملاقات رضاشاه دوم

با مدیر مجله نشنال جئوگرافیک سب گردید که نام خلیج فارس همچنان در اطلس جهان حفظ

گردید. مجله تایمز لندن نوشت: <کلمه خلیج عربی ایرانیان را متحد ساخت> (کیهان لندن ۱۰۳۵) [مشروح درسنگراول بهمن ماه ۸۴] چند سال بعد موزه پاریس هم به این تحریف دست زد، گوگل هم بهمین راه کشیده شد.

در همین سال جاری ویا گذشته یک سناتور آمریکائی لایحه ای به کنگره برد که نام خلیج فارس به عربی تغییر کند؛ آیا سرجنابان نامه هشدار ویا تائید کنندگان آن نامه که «تاقطره آخر خونشان ایستاده اند» به عمل آن سناتور امریکائی اعتراضی کردند؟ (شهرام همایون اعتراض کرد برخی از ایرانیان کردند که جزو امضا کننده ها نیستند).

چرا در این حد، انصاف نبود که این چشمه اقدام رضاشاه دوم را در نامه هشدار کور نکنند؟ **این عمل نامش** **بیانیه تاریخی است؟** یا تحریف واقعیت؟ خوب آنها را نوشتید یک اشاره ای هم به جریان مزبور میکردید. متاسفم که آقای امید دانا تا آخرین قطره خونشان برای دفاع از این کج اندیشی و تحریف آماده دفاع شده اند.

صدبار بگفتی تو بدی های کسان را یکبار ندیدی تو چرا خوب کسی را

◀ اعتراض به این قبیل موارد ازوظائف وزارت خارجه کشورهاست نه افراد عادی وشهروندان آنچه ای که میتواند مورد استیضاح وهشدار قرارگیرد مسئولیت های ناشیه از تکلیف قانونی است که قانون محول افراد میکند، نه اینکه عده ای بی نام ونشان بخودشان حق بدهند که برای مردم (ملت) ایجاد تکلیف کنند ومتعاقب آن هشدار هم بدهند. توجه به تکلیف قانونی حق است ولی تکلیف به قبول نظر ظلم است.

آقای امید دانا در برنامه رودست که مورد انتقاد ونقد تحریرات هم قرار گرفت گفتند: <مادر مقامی نیستیم که تکلیفی برای کسی ویا شاهزاده تعیین کنیم> در این صورت با این حرف درست چرا پیشگام و یا حامی صد در صد نامه هشدار شده اند که نه تکلیف ونه هشدار که یک التیماتوم واتمام حجت بی ادبانه است.

چرا التیماتوم واتمام حجت است

نامه هشدار، با ضمانت اجرا ختم شده است و آن ضمانت اجرا قطع مشروعیت اعلیحضرت است (چون موضوع بسیار مهم است در سرفصل مجزائی مورد بحث قرار خواهد گرفت <

کارسیاسی

آقای امید دانا گفته است» <کارسیاسی نمیکند فقط اطلاع رسانی میکند> این جنجالی که ناحق بوجود آمده ناشی از کارسیاسی است و یا آگاهی رسانی بر وزن نامه رسانی؟ در حالیکه مرکز و قطب نامه مزبور و سنگر دفاع آن آقای امید دانا و برنامه رودست است، آیا باز هم این جریان کارسیاسی نیست؟ چرا باید کسی که نمیخواهد کارسیاسی کند خود را آلوده به این جریانات میسازد که اثر آن تا الان این شده که در سایتهای مخالفین آمده «سلطنت طلبان شاهزاده را خلع کردند».

چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟ درست است که ایشان مدعی است که پشیمان نیست ولی ندامت ایشان از همان نامه ابراز تاسف از دست دادن دوستانشان کاملاً مشهود است.

اصول میگوید

◀ اصول میگوید کسانی که معتقد به تداوم اجرائی قانون اساسی و متمم آن نیستند و یا هستند ولی تداوم سلطنت را قبول ندارند و از طرح هنری برشت وزارت خارجه آمریکا تبعیت میکنند و در نهایت سلطنت ایران را بدون تصدی و یا پایان یافته میشناسند، نمیتوانند نه تنها برخی تکالیفی که متمم قانون اساسی از باب حفظ وحدت ملی و استقلال کشور و تعیین دولت و امثال آنها را برعهده پادشاه گذاشته از اشخاص و یا فرزندان پادشاه بخواهند حتی اصول به آنها اجازه نمیدهد که در کم و کیف زندگی فرزندان پادشاه (به گفته خودشان شاهزاده رضا پهلوی) و یا اشخاص دیگر دخالت نمایند. این ها را اصول میگوید، قبول ندارید، بی اصول باشید، آن را میگویند یاوه گوئی.

نظام حقوقی برشاخص های امر و مامور و حاکم و حکم مقرر از قانون و سنت، مقرر است هرکی، هرکی نیست که نامه هشدار نمونه بارز آن شناخته شود.^۴

ضمانت اجرای هشدار نامه

قسمت مهم و قابل بحث هشدارنامه آخرین بند است که میگوید:

[[اینک ما شماری از کنشگران و کوشندگان ملی باور که با سنجه دانستن انتخاب شهروندان ایران (۱) ساختار پادشاهی مشروطه CONSTITUTIONAL MONARCHY به پادشاهی وارث سنتی پادشاهی پهلوی رابترین شکل دولت برای ایران دانسته و این میراث نوین نهاد کهن پادشاهی (۲) رابه

۴ - جای شگفتی است آن وکلای «مبرز» و «خبره» که آقای امید دانا مدعی شده نویسنده نامه بوده اند تا این حد از اصول و حقوق بدور بوده اند. ح-ک

تحریف بیش و پیش از هر چیز، در خدمت پاسداری از هستی ایران و اصول ملی (۳) می شناسیم به حضرتعالی رضا پهلوی دوم آخرین ولیعهد تاریخی ایران به جدّ و برای آخرین بار هشدار می‌دهیم تا از مواضع ضدملی خود برائت جسته و کلیه کنش‌ها و اقدامات خود را بطور کامل به اصول و چهارچوب ملی ایران متعهد گردانید.....(۴)

.....در غیر این صورت نه تنها مشروعیت وجودی تان در نزد باورمندان به پادشاهی مشروطه به عنوان ولیعهد تاریخی رانابود میکند (۵) که حضرت عالی را در کسوت شهروندی ساده برکنار از نام خانوادگی پهلوی به جرگه دشمنان وجودی ایران (۶) در پیشگاه یکایک ایرانیان پایبند به اصول ملی می‌افزاید (۷)..
[[

ن ا ت م ا م